

### علی باقر نعمتی زرگران<sup>۱</sup>

برای ارزیابی بهتر برنامه خصوصی سازی در فدراسیون روسیه قبل از همه لازم است بدانیم که یک استراتژی موفق در امر خصوصی سازی بایستی به چه اهدافی منجر شود که با مقایسه آن با وضعیت فعلی در فدراسیون روسیه، بتوانیم قضاوت درستی انجام بدهیم. یک استراتژی موفق بایستی به اصلاح در سه سطح بیانجامد: ۱. آزادسازی قیمتها، و خارج شدن بازار و تجارت از کنترل و مداخله دولت، در عین حال اقتصاد از ثبات برخوردار باشد؛ ۲. واگذاری مالکیت اموال دولتی به بخش خصوصی، ایجاد و تقویت نهادهای حامی بازار؛ ۳. توجه به مسایل اجتماعی نظیر خدمات عمومی، نظام تأمین اجتماعی و ... مقاله زیر ابعاد مختلف روند خصوصی سازی در روسیه با توجه به ظهور اولیگارش‌ها در این کشور را بررسی می نماید.

خصوصی سازی و یا به عبارت دیگر واگذاری مالکیت شرکتها، کارخانه ها و کمپانی های بزرگ اقتصادی دولتی به بخش خصوصی از جمله مهمترین برنامه های اقتصادی است که کشورهای جهان سوم و اروپای شرقی به تاسی از جهان غرب انجام می دهند. با فروپاشی نظام کمونیستی شوروی در سال ۱۹۹۱، موضوع خصوصی سازی در کشورهای عضو بلوک شرق به یکی از مباحث مهم اقتصادی روز جهان تبدیل گردید، اکنون و با گذشت بیش از یک دهه از آزادسازی اقتصادی در مجموعه این کشورها می توان به تأمل و مطالعه، روند خصوصی سازی در این کشورها را مورد بررسی و از تجارب تلخ و شیرین آنها بهره مند شد.

روسیه به عنوان وارث اصلی شوروی از پتانسیل و توان اقتصادی به مراتب بیشتری نسبت به سایر جمهوری های باقیمانده از شوروی برخوردار است، غرب هم به دلایل اقتصادی و هم سیاسی حساسیت بیشتری نسبت به روند اصلاحات

۱. آقای علی باقر نعمتی زرگران معاون اداره اول کشورهای مشترک المنافع است.

اقتصادی در این کشور دارد، وجود منابع عظیم انرژی، زیرساختهای قوی و بزرگ، معادن وسیع زغال سنگ، اورانیوم، آلومینیوم، آهن... توجه شرکت‌های بزرگ و اقتصادی را به این کشور معطوف نموده است. کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا مشتاقانه و با انگیزه فراوان روند اصلاحات اقتصادی در روسیه را تعقیب و برای سرعت بخشیدن به آن از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کردند، آنچه برای آمریکا بیش از همه مهم بود این بود که رشته‌های پیوند روسیه با گذشته کمونیستی آنچنان قطع شود که دیگر نگرانی از بازگشت دوران جنگ سرد منتفی شود. دلیل سریع بودن اصلاحات اقتصادی و واگذاری سهام کارخانه‌ها و منابع عظیم ملی در کمتر از ۲ سال پس از فروپاشی در همین نکته نهفته است.

طرح نظم نوین جهانی و اقدامات یک‌جانبه‌ای که آمریکا طی یک دهه گذشته و متعاقب فروپاشی شوروی در سراسر جهان انجام داده است، باعث گردیده تا بسیاری از کشورها را بر خلاف شادی اولیه از فروپاشی شوروی متأسف نماید. پیش از ورود به بحث دو نکته خاطر نشان می‌گردد: الف) خصوصی‌سازی از پیچیده‌ترین مباحث اقتصادی است و یک موضوع کاملاً فنی و تکنیکی است که هر کسی نمی‌تواند در پیرامون آن اظهار نظر نماید، از این رو نگارنده ادعای صاحب‌نظر بودن در این موضوع را نداشته و صرفاً با انجام این تحقیق قصد طرح مسئله را آن هم شاید به صورت ناقص داشته باشم؛ ب) بررسی خصوصی‌سازی روسیه مستلزم صرف وقت فراوان، دسترسی به اطلاعات اولیه و احاطه به مسایل روسیه است.

### تعریف و اهداف خصوصی‌سازی

تعاریف مختلف و متعددی از خصوصی‌سازی ارائه شده که تمامی آنها در مفهوم کلی یکسان بوده و تنها در رابطه با دامنه خصوصی‌سازی، اولویت دادن به اهداف مورد نظر، و یا مکانیزم‌های خاص اجرایی از یکدیگر متمایز می‌شوند، در فرهنگ اقتصادی خصوصی‌سازی به این صورت تعریف شده است:

«خصوصی‌سازی یک سیاست اقتصادی جهت تعادل بخشیدن میان دولت و دیگر

بخشهای اقتصادی با هدف ایجاد شرایط رقابت کامل و حصول بیشتر کارایی اقتصادی و اجتماعی است». به بیان دیگر، خصوصی سازی روندی است که طی آن در هر سطحی دولت امکان انتقال وظایف و تسهیلات و تأسیسات خود را از بخش عمومی به بخش خصوصی بررسی کرده و در صورت تشخیص و اقتضا نسبت به چنین انتقالی اقدام می کند.<sup>(۱)</sup>

خصوصی سازی به علل اجتماعی، نهادی، مدیریتی، سیاسی و فراتر از همه آنها اقتصادی در بسیاری از کشورها صورت گرفته است. هدف اصلی از خصوصی سازی افزایش کارایی و استفاده بهینه از منابع بالقوه موجود در اقتصاد و تصحیح عملکرد بازار است، به طور کلی اهداف اقتصادی عمده خصوصی سازی عبارتند از:

۱. کاهش دخالت مستقیم دولت در فعالیتهای اقتصادی به مفهوم کاهش انحصار و افزایش رقابت در فعالیتهای اقتصادی؛
  ۲. افزایش کارایی شرکتهای تحت مالکیت دولت و نیز شرکتهای بخش خصوصی؛
  ۳. آزادسازی بودجه دولت از فشار مالی شرکتهای دولتی؛
  ۴. تخصیص مجدد منابع دولتی به سمت فعالیتهای و وظایف اصلی دولت؛
  ۵. افزایش انگیزه مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی؛
  ۶. کاهش اتلاف منابع در بخش عمومی که اغلب در نتیجه مدیریت ضعیف و تخصیص نامطلوب منابع است؛
  ۷. کاهش ابعاد سیطره دولت با هدف امکان استفاده مطلوب تر توان مدیریتی دولت.<sup>(۲)</sup>
- با نائل آمدن به اهداف فوق، خصوصی سازی بدنبال خود منافع بالقوه ای از جمله کاهش کسری بودجه دولت، افزایش و ارتقای سطح کارایی، ایجاد منابع درآمدی جدید توسط اخذ مالیات از مفرهای جدید، دستیابی به فنون جدید مدیریتی تولید، افزایش صادرات و تأثیر مثبت بر منابع ارزی، کاهش زمینه های ایجاد فساد در دستگاههای اداری و بوروکراسی کشور و .... به ارمغان آورد. صاحب نظران اقتصادی معتقدند مشکلات اقتصادی روسیه ریشه در سیستم برنامه ریزی شده نظامی داشت که چند دهه از زمان خود عقب مانده بود و نمی توانست

پاسخگوی نیازهای جامعه خویش باشد. در این سیستم به احساس عمومی توجهی نمی‌شد. بروکراتها اغلب در شرایط جهل و نادانی و با غفلت از محیط پیرامونی حق برنامه‌ریزی و سیاستگذاری داشتند. به صادرات خام بسنده کردند، از اقتصادی کردن ابتکارات غافل شدند و مجموعه این مشکلات رشد اقتصادی کشور را در پایان دهه ۱۹۷۰ به صفر درصد رساند.

علت اصلی این ورشکستگی ناکارآمدی سیستم بود و رهبران کشور بدون اینکه تغییری در مکانیسم اقتصادی ایجاد کنند تلاش کردند با استفاده از راهها و روشهای غیرمؤثری اوضاع را تغییر دهند. اما این تلاشها نتیجه‌ای در پی نداشت و روزبروز کشور به سمت مواجه شدن با یک فاجعه اقتصادی پیش می‌رفت. اولین قدم به سوی فاجعه اقتصادی با کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی در سال ۱۹۸۵ اتفاق افتاد. در این ایام، با سقوط قیمت انرژی در جهان تراز بازرگانی خارجی روسیه منفی شد. واردات مواد غذایی و مصرفی کاهش یافت و فروپاشی بازار آغاز شد.

دومین قدم به سوی ورشکستگی که شوروی سابق را تکان داد فاجعه اقتصادی بعد از سال ۱۹۸۸ بود، در این دوران مواد غذایی در قفسه مغازها ناپدید شد، پس انداز بشدت کاهش یافت و کسری بودجه دولت بشدت افزایش یافت. عقب‌افتادگی قروض شرکتها (وامها و اعتبارات داخلی شرکتها) به ۱۷/۵ میلیارد دلار رسید و قروض خارجی در مقایسه با سال ۱۹۸۵ دو برابر شد و صرفاً ۳ میلیارد دلار به عنوان بهره این قروض پرداخت گردید.

در این دوران سیستم مالی کشور فروپاشید و این فروپاشی مالی باعث شد تا تولید کاهش و مالیاتها افزایش یابند. افزایش مالیاتها بر روی دستمزدها در شرایط تورمی باعث شد تا اتحادیه‌های کارگری به عنوان مدرسه کمونیستها درهم شکسته شود.

این شرایط نامساعد اقتصادی دو بخش قانونگذاری و اجرایی قدرت برای یافتن یک راهبرد کارآمد جهت خروج از بحران را به تخریب یکدیگر واداشت و این درگیری کمر اقتصاد را شکست زیرا وحدت سیاسی از بین رفته بود. در اوایل دهه ۱۹۹۰ فاجعه اقتصادی بیش از این نمی‌توانست ادامه یابد و باید کاری انجام می‌شد، بنابراین دولت مجبور شد دست به اصلاحات

بزند، موضوع اصلی این اصلاحات تغییر مالکیت بخشی از دارایی های دولتی به مردم است.<sup>(۳)</sup> به هر حال، تجربه نشان داده است که بخش دولتی نمی تواند بطور مؤثر همچون بخش خصوصی توسعه یابد. ضرر مستمر مؤسسات مالی و تزریق بودجه کشور به آنها منجر به عدم توازن بودجه و رشد قروض شد. بسیاری از کشورها برای رهایی از این مشکلات دست به خصوصی سازی می زنند. در کشورهای توسعه یافته سهم دولت در درآمد ملی از ۲۵-۱۳ درصد در نوسان است. سهم دولت در روسیه تا چند سال اخیر بی نظیر بود و بیش از ۹۰ درصد مالکیت را داشت. بخاطر همین امر، خصوصی سازی در روسیه با بسیاری از کشورها فرق دارد.

### فرآیند خصوصی سازی در روسیه

فرآیند خصوصی سازی دارایی های دولتی در روسیه در سال ۱۹۸۹-۱۹۸۸ یعنی مدتی قبل از اینکه تصمیمات جامعی برای خصوصی سازی گرفته شود شروع شد. این کار با تصویب قانون مؤسسات کشوری در سال ۱۹۸۸ آغاز گردید. به موجب این مصوبه به برخی مؤسسات دولتی استقلال اقتصادی اعطاء گردید و این به مثابه تخریب هرم مدیریتی کمیته برنامه ریزی دولتی به شمار می آمد.

در سالهای ۱۹۸۸-۱۹۸۹ واحدهای جدیدی برای انجام اقدامات دسته جمعی در اقتصاد روسیه بوجود آمد. در این ایام به کارمندان مؤسسات دولتی اجازه داده شد برخی از این مؤسسات را اجاره کنند و تعداد زیادی تعاونی و شرکتهای سهامی بوجود آورند.

این کارها بطور منظم انجام نشد و کنترل و نظارت کافی بر کارها وجود نداشت و حیطة مسئولیتها در قانون تعریف نشده بود. به همین دلیل بسیاری از واقعیات اولین مرحله خصوصی سازی ناشناخته باقی مانده است. هرچند آمار مشخصی وجود ندارد ولی تخمین زده می شود در حدود ۲۰۰۰ مؤسسه دولتی در این مرحله بدست بخش خصوصی افتاده است.

از آنجاکه به مقامات حق فعالیت تجاری داده شده بود، آنها توانستند بدون اینکه قانونی را نقض کنند به ثروتهای کلانی دست یابند. برای نمونه اگر مدیر کارخانه ای و یا مسئول

وزارتخانه‌ای کالایی را به ثمن بخش می‌فروخت و یا اینکه کالای غیر قابل استفاده‌ای را با قیمت گزاف خریداری می‌کرد، بطور قانونی خلافی را مرتکب نشده بود.

در این ایام، پارلمان کمیته کشوری مدیریت مؤسسات دولتی را مأمور نتایج خصوصی‌سازی کرد. این کمیته هر چند برخی موارد از جمله عدم برگزاری مزایده و یا مناقصه برای فروش یا خریدهای دولتی را مشخص نمود اما عملاً به نتیجه‌ای نرسید.

در سالهای ۱۹۹۰-۱۹۹۱ پیش‌نویس مقررات خصوصی‌سازی تهیه گردید. سنگ بنایی که در این راستا گذاشته شد قانون کار سوم جولای ۱۹۹۱ راجع به خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی و شهرداری‌ها در فدراسیون روسیه بود. در اواسط سال ۱۹۹۲ پارلمان روسیه یک رشته قوانین و احکام را تصویب نمود که به موجب آنها روند خصوصی‌سازی به آژانس فدرال (SCP) محول گردید، این آژانس بنا به حکم شورای وزیران مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۹۱ به عنوان یک شاخه اجرایی تأسیس و موظف گردید که به برنامه‌ریزی برای اجرای قانون خصوصی‌سازی و ارزشیابی واحدها و کنترل و نظارت بر حسن اجرای امور بپردازد.<sup>(۴)</sup> بدین ترتیب با حکم مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۹۱ بوریس یتسین رئیس جمهور وقت روسیه و در زمان نخست‌وزیر گایدار، برنامه خصوصی‌سازی با مسئولیت چوبایس آغاز گردید.

در ۲۹ ژانویه ۱۹۹۲ بوریس یتسین رئیس جمهور وقت روسیه مجدداً در فرمانی خواستار تسریع در خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی و شهرداری‌های روسیه شد، این موضوع به دلیل اختلافاتی که همزمان بین کرملین و پارلمان روسیه بر سر اختیارات بروز نموده بود تا مدتی به تأخیر افتاد.

بر اساس گزارش آژانس فدرال در امر خصوصی‌سازی تنها در سال ۱۹۹۲ نزدیک به ۴۶ هزار مؤسسه یعنی حدود ۱۸/۶٪ از کل واحدهایی که می‌بایست خصوصی شوند فروخته شد.

همزمان با بالاگرفتن دعوی بین کرملین و شورای عالی پارلمان روسیه، در آگوست ۱۹۹۲ با ابتکار چوبایس، رئیس جمهور روسیه طی حکمی با هدف واگذاری مؤسسات به کارگران و مدیران آنها و جلوگیری از تسلط بیگانگان در امر خصوصی‌سازی، طرح تضمین و گواهی

خصوصی سازی در کشور را صادر نمود. بالا بودن قیمت مؤسسات دولتی باعث شد تا در سال اول از خصوصی سازی استقبال اندکی صورت گیرد اما با اصلاح قیمتتها در سال ۱۹۹۲ روند خصوصی سازی سرعت بیشتری گرفت، تعداد مؤسسات خصوصی شده در سال ۱۹۹۳ به ۸۸۶۰۰ یعنی ۱/۳۶٪ از کل و این روند در سال ۱۹۹۴ به ۱۱۲۶۰۰ یعنی ۴۷٪ و در سال ۱۹۹۶ تعداد آنها به ۱۱۸۸۰۰ یعنی ۷/۵۶٪ از کل مؤسساتی که می بایست به بخش خصوصی واگذار شود رسید. با اوج گیری بحران اقتصادی در سال ۱۹۹۷ روند خصوصی سازی کند شد.

با توجه به سرعت بسیار بالای خصوصی سازی امکان دسترسی به اهداف آن دشوار شد. در این دوره اهداف اقتصادی تحت الشعاع مسایل سیاسی قرار گرفت و مدیریت و کارآیی مؤسسات به فراموشی سپرده شد. این مسئله باعث شد تا حمایت مردمی از فرآیند اصلاحات به یک سوم کاهش و تعداد مخالفان خصوصی سازی به ۶۰٪ افزایش یابد.

آنچه که بیش از همه باعث بدبینی مردم شد ارزیابی ارزش دارایی های دولتی بود که در مراحل اولیه خصوصی سازی بر اساس گزارش تراز سالیانه شرکتها تهیه شده بود که طبیعی است در آن ایام که حساب و کتاب دقیقی از میزان تولید وجود نداشت حیف و میل های زیادی صورت گرفته باشد. در خصوص درآمدهای ناشی از خصوصی سازی روایات مختلفی وجود دارد ولی در اکثر گزارشات بر ناچیز بودن درآمدهای خصوصی سازی برای دولت اتفاق نظر دارند.

با این وصف، کل درآمدهای ناشی از خصوصی سازی در سالهای ۱۹۹۶-۱۹۹۳ بین ۱۳٪ تا ۱۶٪ درآمدهای بودجه فدرال را به خود اختصاص می داد که در همین ایام بیش از ۴ میلیارد دلار توسط دولت و در راستای برنامه حمایت از خصوصی سازی به این مؤسسات اختصاص یافت. ضمن اینکه در همین ایام حدود ۲/۳ میلیارد دلار توسط بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک توسعه و ترمیم اروپایی و دیگر بانکها به شکل اعتبار برای تقویت بخش خصوصی در روسیه بین این مؤسسات پخش گردید. (۵)

با افزایش تورم و فاصله طبقاتی و رکود اقتصادی بتدریج اصلاحات اقتصادی با واکنش منفی مردم روبرو شد، پیروزی کمونیستها در انتخابات ۱۹۹۵ برآیند ناخوشنودی مردم از نتایج

اصلاحات اقتصادی مورد نظر جریان‌ات لیبرال و طرفدار بازار آزاد بود.

اختلافات بین دوما‌ی تحت کنترل کمونیست‌ها با کرملین باعث گردید که در سال ۱۹۹۶ دوما یک بررسی کارشناسانه در مورد خصوصی‌سازی انجام دهد، در این گزارش مشخص گردید که خصوصی‌سازی با برنامه‌های مدنظر دولت منطبق نبوده و حتی در تعارض با حاکمیت قانون بوده است. در این گزارش آمده است که در فرآیند خصوصی‌سازی به مالکیت معنوی، فن‌آوری‌های مدرن و انگیزه بخشی علمی در بخش تولید توجهی نشده است و اقدامات لازم برای کنترل و نظارت کافی دولت بر مؤسسات استراتژیک واگذار شده به بخش خصوصی پیش‌بینی نگردیده است. تنها محدودیتی که برای شرکتهای خارجی در نظر گرفته شد در بخش سوخت و انرژی، فلزات گرانبها و عناصر رادیو اکتیو و نادر زمینی بود. به همین دلیل صنعت آلومینیوم روسیه تا اندازه زیادی به خارجی‌ان داده شد. ایجاد شرایط مساوی برای سرمایه‌گذاران خارجی و روسی برای شرکت در خصوصی‌سازی با توجه به توان مالی نابرابر آنها باعث تضییع حقوق شهروندان روس و انتقال بخشی از ثروت مملکت به خارج بود. این موضوع در زمانی اتفاق افتاد که ارزش روبل در برابر دلار بشدت کاهش یافته بود.

در برخی صنایع، سطح خصوصی‌سازی به حدود ۹۰٪ رسیده است:

- صنعت اتومبیل ۹۲٪؛

- ماشین‌آلات کشاورزی ۹۴/۲٪؛

- ابزارسازی ۸۵/۱٪؛

- ماشین‌آلات راهسازی ۸۵/۳٪؛

- مهندسی شیمی و پتروشیمی ۹۱/۹٪.

در سال ۱۹۹۶ سهم دولت در صنایع کاغذ و خمیر کاغذ ۲۰٪، در متالوژی ۱۵٪ در مخابرات ۳۸٪ در مهندسی ۵۵٪ در نفت و گاز ۴۲٪ بوده است.

در نظرسنجی‌هایی که در ارتباط با خصوصی‌سازی از مردم روسیه به عمل آمده اکثریت مردم این فرآیند را نادرست می‌دانند. زیرا خصوصی‌سازی که قرار بود حمایت و توسعه اجتماعی

را به همراه داشته باشد موجب تخریب اینها شد. مردم می گویند بسیاری از سالنهای ورزشی به کارواش و بازار روز تبدیل شد.<sup>(۶)</sup> رستورانها به کلوب الیتها و بوتیک بدل شدند، و برخی کالجها و مدارس در اختیار شرکتهای تجاری و بانکها قرار گرفت، بسیاری از مؤسسات ورشکسته و نابود گشتند و کارمندان آنها که در زمینه کاری خود دارای مهارت و تجربه زیادی بودند دست بسر شدند. یکی از دلایل اصلی ورشکستگی این شرکتهای این بود که سهام آنها به کارکنان و مدیران آنها واگذار شد، بنابراین نمی توان انتظار داشت شرکتهایی که با این کارکنان و مدیران باسوبسید دولتی سرپا مانده بودند حالا بتوانند رقابت کنند. در مطالعاتی که توسط مرکز تحقیقات اتحادیه های کارگری روسیه صورت گرفته بسیاری از کارگران شرکتهای می گویند که در روابط کاری تغییری حاصل نشده و آنها وضعی بدتر از دوران شوروی سابق دارند. نتیجه اینکه خصوصی سازی تغییر اساسی در وضعیت کارکنان بوجود نیاورده است.<sup>(۷)</sup>

## ظهور الیگارشسی

الیگارشسی اصطلاحی است که به کسانی اطلاق می گردد که از طریق نفوذ سیاسی به ثروتهای کلان اقتصادی و مالی دست می یابند به نحوی که حتی دولت نیز به سادگی قادر به مبارزه با آنها نمی باشد. در نتیجه خصوصی سازی و اصلاحات اقتصادی افرادی توانستند به ثروتهای میلیاردی دست یابند که تا پیش از فروپاشی در سال ۱۹۹۱ از دارا بودن حتی یک منزل متوسط نیز محروم بودند. این افراد که در اثر زدوبند با برخی مقامات دولتی توانستند سهام شرکتهای بزرگ را به قیمت پایین خریداری و سپس با فروش آنها به قیمت بالا به ثروت هنگفت دست یابند بتدریج در حوزه سیاست نیز وارد شدند. برخی از این افراد با ایجاد مؤسسات رسانه ای به سمت تأثیرگذاری بر افکار عمومی حرکت نمودند و با تشکیل گروههای سیاسی وفادار در صدد گسترش حوزه نفوذ سیاسی خود در داخل حاکمیت برآمدند.

نظر به اهمیت سیاسی و اقتصادی موضوع الیگارشسی در روسیه، در ذیل برخی چهره های

مؤثر و شاخص الیگارش روسیه مورد اشاره و بررسی قرار می گیرد:

۱. میخائیل خودروکوفسکی؛ وی متولد ۱۹۶۳ است و دارای پاسپورت روسی و اسرائیلی می‌باشد، خودروکوفسکی که هم‌اکنون به جرم فساد مالی و عدم پرداخت مالیات به دولت در زندان به سر می‌برد با داشتن ۱۴ میلیارد دلار ثروتمندترین فرد روسی است. وی از سال ۱۹۹۰ به بعد وارد کار اقتصادی و عموماً بانکداری گردید، ابتدا بانک مناتپ را با همکاری برخی دوستان و همکلاس خود افتتاح سپس با افتتاح چند شرکت دیگر در امور ساختمانی، شیمیایی نساجی و نفتی بر دامنه‌های فعالیتهای اقتصادی خود افزود، وی در سال ۱۹۹۵ شرکت نفتی یوکاس را که تا آن زمان دولتی بود به قیمت ۳۰۹ میلیون دلار خریداری نمود، سپس با واگذاری قسمتی از سهام شرکت نفتی یوکاس و بدست آوردن سرمایه اقدام به نوسازی، تجهیز و گسترش فعالیتهای نفتی خود نمود. خودروکوفسکی با استفاده از رابطه نزدیکی که با شرکتهای سرمایه‌داران بزرگ آمریکایی-انگلیسی داشت و با حمایت لابی یهودی توانست بزودی به یکی از موفق‌ترین مدیران روسی تبدیل و ارزش سهام شرکت نفتی یوکاس را به چندین میلیارد دلار افزایش دهد. وی در سال ۲۰۰۲ به عنوان موفق‌ترین مدیر روسیه شناخته شد و از سوی رئیس جمهور روسیه مورد تقدیر قرار گرفت.

ارزش سهام کمپانی نفتی یوکاس تا قبل از دستگیری خودروکوفسکی بالغ بر ۲۳ میلیارد دلار تخمین زده می‌شد. از زمانی که خودروکوفسکی رسماً حمایت مالی خود را از احزاب مخالف کرملین (رئیس جمهوری روسیه) اعلام نمود و متعاقب آن تلاش کرد بخشی از سهام شرکت نفتی یوکاس را به کمپانی‌های نفتی آمریکا بفروشد مورد غضب کرملین قرار گرفت و در نتیجه حسابرسی‌های دادستان موارد متعدد خلاف، تقلب و فساد کشف و در نتیجه ضمن دستگیری وی بخشی از سهام نفتی یوکاس نیز بابت بدهی به دولت مسدود گردید.<sup>(۸)</sup>

۲. بوریس برزوفسکی؛ وی سیاسی‌ترین چهره اقتصادی روسیه می‌باشد، وی فعالیت اقتصادی خود را با خرید و فروش کامپیوتر شروع نمود؛ سپس وارد معاملات خودرو گردید و با پیش فروش ماشین توانست صاحب ثروت هنگفتی در سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۵ شود، پس از آن بخشی از سهام شرکت هواپیمایی ایرفلوت، و کمپانی نفتی سیب را که متعلق به منطقه سیبری

بود خریداری نمود. با شکست احزاب طرفدار یلتسین در انتخابات ۱۹۹۵ دومای روسیه، برزوفسکی سرمایه مالی خود را در خدمت پیروزی یلتسین قرار داد، پیروزی یلتسین در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۹۶ بیش از گذشته به قدرت و نفوذ سیاسی اقتصادی برزوفسکی افزود، وی در سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹ با کمک دختر یلتسین و با تشکیل حلقه‌ای که به حلقه خانواده مشهور بود در داخل روسیه به چنان قدرتی دست پیدا کرد که حتی نخست‌وزیران روسیه نیز از آن حساب می‌بردند.

با اوج گرفتن بیماری یلتسین برزوفسکی برای جلوگیری از روی کار آمدن یوگنی پریماکف که دشمن سرسخت هم‌دیگر بودند، نقشه کناره‌گیری پیش از موعد یلتسین و روی کار آمدن پوتین که تا آن زمان ناشناخته بود را با همدستی حلقه خانواده طراحی نمود. در جریان انتخابات دومای سال ۱۹۹۹ توان مالی - رسانه‌ای برزوفسکی در خدمت پوتین و حزب حامی وی یعنی وحدت قرار گرفت و به پیروزی چشمگیری دست یافتند و راه برای روی کار آمدن پوتین که در غیاب یلتسین کفیل رئیس جمهور شده بود هموار گردید.

پیوند پوتین و برزوفسکی موقتی و تاکتیکی بود و با تحکیم پایه‌های قدرت پوتین بتدریج فاصله وی از الیگارش‌ی و بویژه برزوفسکی بیشتر گردید، تصمیم دادستانی به بررسی اموال برزوفسکی و سهام وی در ایرفلوت و بازجویی‌های وسیع از برخی همکاران برزوفسکی باعث شد که وی در اواخر سال ۲۰۰۰ از کشور خارج و در انگلیس اقامت گزیند.

درخواست پناهندگی سیاسی وی از دولت انگلیس حدود شش ماه پیش مورد موافقت قرار گرفت، برزوفسکی علی‌رغم دوری از روسیه همچنان به فعالیتهای سیاسی خود برای مقابله با پوتین ادامه می‌دهد و توان مالی خود را در این راستا به خدمت گرفته، وی حزب لیبرال روسیه را تأسیس نموده و بر مخالفت با پوتین تأکید می‌نماید. بر اساس اعلام مجله فوربز سرمایه‌برزوفسکی تا پیش از خروج از کشور بالغ بر ۳ میلیارد دلار بوده است، برزوفسکی نیز مانند خودروکوفسکی یهودی است و از پاسپورت اسرائیلی برخوردار می‌باشد.

۳. **ولادیمیر گوسپینسکی**: وی نیز مانند سایر الیگارش‌های مهم یهودی تبار است و از

سال ۱۹۸۷ وارد کار اقتصادی شد، ابتدا وی یک شرکت تعاونی پوشاک تأسیس کرد سپس از طریق تأسیس یک شرکت مشاوره‌ای سرمایه‌گذاری با سرمایه‌گذاران خارجی ارتباط برقرار نمود. کوسینسکی به امور رسانه‌ای خیلی علاقمند بود، وی در سال ۱۹۹۳ روزنامه سودیا را راه انداخت، و سپس از طریق دوستی و ارتباطی که با لوژکف شهردار مسکو داشت کانال آن ت و را تأسیس کرد، خیلی سریع این کانال تلویزیونی به یکی از جذاب‌ترین شبکه‌های تلویزیونی روسی تبدیل شد، کوسینسکی با تأسیس مؤسسه رسانه‌ای مدیا موست فعالیت مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی خود را گسترش داد، تأسیس شبکه رادیویی اکوی مسکو و مجله هفتگی ورما از دیگر فعالیت‌های وی بود. انتقادهای کوسینسکی از اقدامات ارتش در جمهوری چچن باعث گردید تا مورد غضب کرملین واقع شود، استفاده احزاب مخالف دولت نظیر میهن، یابلوکو از توان رسانه‌ای کوسینسکی برای انتقاد از دولت در سالهای ۱۹۹۸-۱۹۹۹ بر فاصله وی از دولت افزود، در اوایل سال ۲۰۰۰ دادستانی به دلیل فساد مالی پرونده‌ای را بر علیه کوسینسکی افتتاح نمود که منجر به فرار وی از کشور شد. کوسینسکی هم اکنون تحت تعقیب قضایی روسیه قرار دارد و در اسپانیا اقامت گزیده است.

#### ۴. رومان آبرومویچ: آبرومویچ جوان‌ترین الیگارش روسیه می‌باشد، وی از دوستان

نزدیک برزوفسکی محسوب می‌شود که بخش اعظم ثروت خود را از طریق دوستی و نزدیکی با برزوفسکی بدست آورد، پس از خروج برزوفسکی از روسیه، آبرومویچ با استفاده از دوستی با برزوفسکی بخش اعظم سهام وی را در کمپانی‌های نفتی و آلومینیوم تصاحب نمود.

وی در سال ۱۹۹۹ ابتدا دوما شد و سپس با پیروزی در انتخابات استانداری چوکاتکا در منطقه سبیری، استاندار این استان شد، ثروت تخمینی آبرومویچ بالغ بر ۵/۷ میلیارد دلار می‌باشد.<sup>(۹)</sup> وی صاحب ۲۵ درصد سهام شرکت آلومینیوم روسیه، و ۲۶ درصد سهام ایرفلوت می‌باشد، آبرومویچ در اوایل سال ۲۰۰۳ سهام خود را در شرکت نفتی سیب به خودرکوفسکی فروخت و متعاقب آن سهام باشگاه فوتبال چلسی انگلیس را با قیمت بیش از ۱۰۰ میلیون پوند خریداری کرد، در یک سال گذشته تیم چلسی با پشتوانه مالی وی توانست بازیکنان گران قیمتی

را به خدمت بگیرد، اخیراً اعلام شد که آبرومویچ ۱۴۰ میلیون پوند برای خرید دیوید بکهام ستاره تیم رئال مادرید پیشنهاد داده که یک رکورد در خرید و فروش بازیکنان فوتبال محسوب می شود.

سرمایه گذاری های آبرومویچ در تیم چلسی انگلیس در شرایطی که بهترین تیم های روسیه نظیر لوکوموتیو یا اسپارتاک مسکو بدلیل فقر مالی در تنگنا می باشند باعث خشم و ناراحتی مردم روسیه شده است. علاوه بر افراد فوق، می توان از الیگارشهای دیگری که صاحب ثروت میلیاردی می باشند و طی یک دهه گذشته به این ثروتهای افسانه ای دست یافته اند اشاره نمود که از حوصله این گزارش خارج است و صرفاً به صورت گذرا به چند نفر اشاره می شود: ۱. اولگ دریپاسکا، ۲۷ ساله صاحب شرکت آلومینیوم روسیه، رئیس هیأت مدیره شرکت بیسک المنت، صاحب هواپیماسازی آویاکور و کارخانه ماشین سازی گاز؛ ۲. ولادیمیر پوتانین، ۴۴ ساله صاحب شرکت نوریلسک نیکل و شرکت اینترروس صاحب روزنامه ایزوستیا و گاسومولسکایا پراودا؛ ۳. میخائیل فریدمن، ۴۱ ساله رئیس گروه آلفا بانک و سهامدار اصلی شرکت نفتی تی.ان.بی. ثروت فریدمن بالغ بر ۴/۵ میلیارد دلار تخمین زده شده است؛ ۴. وحید علی اکبروف: وی مسلمان ۵۳ ساله و آذری تبار است که رئیس شرکت نفتی لوک اویل می باشد، ثروت وی بالغ بر ۱/۵ میلیارد دلار تخمین زده می شود.<sup>(۱۰)</sup>

در فرایند خصوصی سازی ضمن اینکه می بایستی بازار از مداخله و نفوذ دولت خارج و مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته شود اما بایستی این روند به ثبات بازار و اقتصاد منجر شود نه هرج و مرج و بی ثباتی اقتصادی، ضمن اینکه به بهانه خصوصی سازی، دولت نمی تواند از تعهدات خود در خصوص توجه به مسایل اجتماعی، رفاه و خدمات عمومی غافل بماند.<sup>(۱۱)</sup>

در بررسی خصوصی سازی در فدراسیون روسیه می توان کامیابی ها و ناکامی های فراوانی را در کنار هم مشاهده نمود، نگاه به برخی آمار این موضوع را بیشتر برای ما روشن می کند.

در طول ۶ سال اول خصوصی سازی (۱۹۹۶-۱۹۹۱) اقتصاد روسیه شرایط سختی را گذراند، در سال ۱۹۹۷ اقتصاد روسیه به پایین ترین حد رسید، GNP در سال ۱۹۹۶ به جای

صعود ۶ درصد سقوط داشت، و در مقایسه با سال ۱۹۹۱ تقریباً ۵۰٪ کاهش را نشان می‌داد. تعدادی از شرکتها در حال فروپاشی بودند. در این سال کمتر از ۲۵ درصد از شرکتها و کمپانی‌ها به تعهدات مالیاتی خویش عمل کردند. در فاصله بین سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ بنابه اعلام برخی مراکز تحقیقاتی اقتصاد روسیه بیش از ۶۵ میلیارد دلار سرمایه از روسیه خارج و در کشورهای اروپایی و آمریکا سرمایه‌گذاری شد. (۱۲)

حدود ۸۰ درصد مردم پس‌اندازهای خود را به دلار انجام می‌دهند و مقدار کمی از مردم در بانکهای ملی روسیه سپرده‌گذاری می‌کنند.

شرایط عمومی در جامعه و طبقه کارگر سخت‌تر شده است، حدود ۲۰٪ مردم زیر خط فقر قرار دارند (۷۲ دلار آمریکا در سال ۱۹۹۹ خط فقر روسیه بود) میانگین دریافتی حقوق بازنشستگی در این سال ۵۵ دلار بود و میانگین حقوق دریافتی نیز ۱۶۷ دلار، فاصله بین طبقات ثروتمند و ضعیف در حال تشدید می‌باشد.

براساس گزارش وزارت کار روسیه، حداقل ۲۵٪ از کارکنان در شاخه‌های مهم صنعتی از شرایط بهداشتی نامناسب و نظام تأمین اجتماعی غیرکارآمد رنج می‌برند. امید به زندگی برای زنان از ۷۴ سال در سال ۱۹۸۶ به ۷۱/۶ سال رسیده است. بر اساس اعلام سازمان جهانی کار (ILO) تعداد بیکاران از ۵/۵٪ در سال ۱۹۹۲ به ۹/۵٪ یعنی حدود ۷ میلیون نفر در سال ۱۹۹۸ رسید. (۱۳) اکنون برای همه روشن شده که سرعت خصوصی‌سازی در اقتصاد روسیه بیش از حد استاندارد و معمول آن بوده است، و یکی از دلایل بروز بحرانهای اقتصادی، فرار سرمایه، شکاف طبقاتی در همین نکته نهفته است. (۱۴)

برخلاف روسیه، خصوصی‌سازی در جمهوری خلق چین یک روند آرام و گند و بطنی بود که به دولت امکان می‌داد ضمن کنترل فرآیند و تبعات به ارزیابی درستی برسد، چین ابتدا از واحدهای کوچک در روستاها و شهرهای کوچک شروع کرد و به آنها کمک نمود که مشترکاً واحدهای بزرگی تشکیل و به مدیران محلی نیز خودمختاری اعطاء نمود و از این طریق میزان تولید را بالا برد. (۱۵)

در فرآیند خصوصی سازی روسیه دو مرحله قابل تفکیک است: مرحله اول از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸ که به بحران اقتصادی وسیع در روسیه منجر شد و دولت کرینکو بدلیل همین بحران اقتصادی و ناتوانی دولت در پرداخت بدهی های خود سقوط نمود. مرحله دوم از ۱۹۹۸ به بعد که شاهد تقویت دولت، کنترل سرعت خصوصی سازی، هستیم. در این مرحله افزایش قیمت نفت به دولت امکان داد که ضمن بازپرداخت به موقع بدهی های خود، ثبات و آرامش را به اقتصاد روسیه برگرداند. هم اکنون مازاد درآمد دولت طی سالهای بین ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ به بیش از ۶۰ میلیارد دلار رسیده است.

در این مرحله دولت مرکزی با کنترل اوضاع سیاسی، برخورد با الیگارشیهای سرکش نظیر برزوفسکی، گوسینسکی و خودروکوفسکی، تنظیم روابط بین مرکز و مناطق امید به بهبود وضع اقتصادی و سیاسی را به جامعه روسیه برگرداند.

در کنار برخی ناکامی هایی که در بالا به آن اشاره شد می توان به برخی دستاوردهای مثبت خصوصی سازی در روسیه نیز اشاره نمود:

۱. اصلاحات اقتصادی در روسیه به تسلط ایدئولوژی و سیاست بر اقتصاد پایان داد.  
۲. مالکیت دولت در اقتصاد به کمتر از نصف کاهش یافته و مالکیت از سیاست زدگی نجات یافت.

۳. اقتصاد پولی شد و روبل جایگاه خود را در مبادلات تجاری بین المللی باز یافت.

۴. شرکتهای کوچک و تولیدی متعدد ایجاد گردید.

۵. کسری بودجه از بین رفته و دولت با مازاد بودجه روبرو است. قبلاً دولت مجبور بود به

شرکتهای مختلف سوبسید بدهد و بار سنگینی بر دوش دولت بود و حالا نیست.

## یادداشت‌ها

۱. مجله اقتصادی، دوره دوم سال اول، شماره چهارم و پنجم، بررسی تجزیه خصوصی سازی در کشورهای جهان، صفحه ۲۴.
۲. مجله اقتصادی، همان صفحه ۲۵ و ۲۶.
۳. خاطرات میخائیل گورباچف، ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸.
4. Dr. Drnity Lvov, Secretary of the Economic Branch of the Russian Academy of Sciences.
5. John S. Earle, Economic Reform Today Privatization in the Digital Age, Number, 2, 1999.
۶. به عنوان مثال، محوطه دو ورزشگاه بزرگ مسکو به نام لوژنیکی و ایزمایلوفسکی که در زمان شوروی از مراکز ورزشی مهم محسوب می شدند هم اکنون در اختیار دست فروشان بازار قرار گرفته است.
7. Adress by Michel Camdcssus Managing Director of the International Monetary Fund at the U.S - Russian Business, Whashington D.C., April , 1, 1998.
۸. همشهری دیپلماتیک، شماره نهم، نیمه دوم اسفند، ۱۳۸۲، ص ۱۰.
۹. همشهری، همان صفحه ۱۰.
10. Chis Doss, Russian Oligarchy, The Russian Journal, 2002.
11. Joseph Prokopenko, Head Research and programme Development Section Entropereneurship and management Development Branch, Comparisons of Privatization Results.
۱۲. برخی این رقم را حتی تا ۲۰۰ میلیارد دلار نیز ذکر کردند، بخش زیادی از این پول در قبرس سرمایه گذاری شده است، بعداز بازگشت ثبات اقتصادی به روسیه در سال ۲۰۰۰ مقداری از این سرمایه ها تحت پوشش سرمایه خارجی مجدداً به روسیه وارد شده است.
13. Joseph Prokopenko, *Ibid*.
۱۴. در شرایطی که کمتر از ۲ سال از فروپاشی شوروی نگذشته بود ما شاهد واگذاری مالکیت شرکتها و کمپانی های عظیم صنعتی و نفتی به بخش خصوصی تازه کار بودیم، مدیران این کمپانی ها از تجربه کافی برخوردار نبودند و بعضاً به ورشکستگی می انجامید.
۱۵. مجله آسیا، مورخ ۱۳۸۱/۷/۱۸، مقاله تجربه خصوصی سازی در چین.